

تحلیل انتقادی روایات به ظاهر متعارض در باب «مزاح»

محمد صادق نصراللهی*

احمدعلی قانع**

احمد جهانگیر فیض آبادی***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۶/۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۲۵

چکیده

امروزه، مطالعات علمی فراوانی روی شادی و نشاط به عنوان یکی از فرایندهای جسمی و روانی لازم و ضروری برای زندگی بشر انجام گرفته که بالتبع ضرورت شاد بودن و لزوم شوخی کردن را به عنوان یک عامل اصلی مورد توجه قرار می‌دهد. مسئله اصلی این مقاله آنست که کنش شوخی کردن، از منظر دین امری پسندیده و توصیه شده است یا مردود و نهی شده؟ اگرچه شوخی به عنوان یک عمل در کتب فقهی به شکل پراکنده و بیشتر ناظر به عوارض آن در مقولات دیگر مورد بحث قرار گرفته، اما کمتر خود به عنوان موضوع بحث مورد توجه بوده است. این غفلت، زمانی بیشتر خودنمایی می‌کند، که مراجعه به روایات، ما را با تعارض اولیه و ظاهری ادله مواجه می‌کند. این مقاله، بر آنست که با رویکردی نظام‌مند و جامع‌نگری با مراجعه به روایات «مزاح»، موضع اسلام را نسبت به شوخی کردن مشخص کرده و الگوی نظری شوخی کردن را ترسیم نماید. در مقام جمع‌بندی، این مقاله، ضمن ترسیم الگوی مذکور، منشأ و کارکردهای مثبت شوخی کردن، مصادیق شوخی گناه‌آلود و زیاده و کژکارکردهای آن دو را مورد بحث قرار داده است.

واژگان کلیدی: شوخی، مزاح، دعابه، نشاط، خنده، الگوی اسلامی شوخی.

* دانشجوی دکتری فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق(ع) (نویسنده مسئول)

m.nasrollahi@isu.ac.ir

ghane4@gmail.com

** استادیار دانشکده فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق(ع)

*** دانشجوی کارشناسی ارشد فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق(ع) a.jahangir89@gmail.com

مقدمه

یکی از نیازهای روحی و روانی انسان که خداوند در وجود او قرار داده است و باعث کاهش خستگی، اضطراب و نگرانی در زندگی می‌شود «تفریح، شادی و نشاط» است. این موارد، به ویژه برای انسان عصر مدرن، اهمیتی مضاعف می‌یابد؛ چرا که در دنیای ماشینی امروز، عوامل ایجاد خستگی و اضطراب به مراتب بیش از گذشته در سبک زندگی‌ها رخنه کرده است و همین امر، ضرورت وجود فرایندها و عوامل رفع‌کننده را دوچندان می‌کند.

دین اسلام که بهترین و کامل‌ترین برنامه را برای بشریت به ارمغان آورده و در این جهت، از تبیین ظریف‌ترین و کوچک‌ترین تعالیم غفلت نورزیده و در جهت پاسخگویی به نیازهای آدمی به شکلی متعادل و فراگیر، اهتمام ویژه مبذول داشته، به موضوع «شادی و نشاط» هم توجه قابل ملاحظه‌ای کرده و آن را در ارتباطات اجتماعی و در زندگی افراد مهم می‌داند. امیرمؤمنان علی (ع) در همین رابطه می‌فرمایند: «الْمُؤْمِنُ بِشْرُهُ فِي وَجْهِهِ وَ حَزْنُهُ فِي قَلْبِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۴، ص ۳۰۵).

طبق این فرمایش، انسان مؤمن همواره غمش را برای خویش و در دلش نگه می‌دارد و گشاده‌رویی، حالت غالب چهره اوست و به نظر می‌رسد اظهار بشر و شادی در ظاهر علی‌رغم وجود غم در باطن، ناظر به تأثیر اجتماعی این رفتار در ارتباط با دیگران است؛ اگرچه نشان از نوعی کمال نفسانی در مؤمنان نیز می‌باشد.

همچنین امام سجاد (ع) از قول رسول خدا (ص) می‌فرمایند: «إِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِدْخَالَ السُّرُورِ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۸۹) (براستی که بهترین اعمال نزد خداوند عزوجل وارد ساختن سرور و خوشحالی بر مؤمنان است). بر طبق این روایت شریف، شاد کردن مؤمنان جزء بهترین اعمال می‌باشد و در واقع، امام سجاد (ع) از طریق این روایت درصدد تشویق مؤمنان به عمل «ادخال سرور» در دیگران هستند.

یکی از مواردی که برای انسان شادی ایجاد می‌کند و شادابی را برای او به ارمغان می‌آورد، «شوخی و مزاح کردن» است. امروزه تمام انسان‌ها از فرهنگ‌ها و اقلیم‌های گوناگون، در ارتباطات انسانی خود، از شوخی به عنوان یک رفتار برای کاهش تنش در

ارتباطات میان فردی استفاده می‌کنند. شوخی‌های شایسته و شادی برانگیز در ارتباطات فردی و اجتماعی، زمینه ساز ایجاد گفت و گوهای سالم و نشست و برخاست‌های فرح‌انگیز است. البته باید توجه نمود که افراط در رفتار شوخی می‌تواند تبعات و اثرات معکوسی داشته و سبب اختلال در ارتباطات اجتماعی و تضعیف‌کننده آن باشد. بر همین اساس، آشنایی با آموزه‌های دین اسلام و عمل به آن، تضمین‌کننده اعتدال، روشن‌بینی و جامع‌نگری نسبت به شوخی کردن است. با توجه به جایگاه و اهمیتی که این عمل در ارتباطات انسانی دارد، هدف این پژوهش تبیین موضع دین اسلام در قبال «شوخی کردن» و تعیین کم و کیف آن از منظر این دین متعالی الهی است.

این پژوهش، در جهت تحقق هدف فوق با استفاده از روش کتابخانه‌ای و با بهره‌گیری از تکنیک توصیفی-تحلیلی، ابتدا «مسئله پژوهش» را تبیین می‌کند؛ سپس ضمن عنوان «مفهوم شناسی شوخی»، منظور لغوی و اصطلاحی خویش را از این واژه تبیین می‌نماید. در ادامه، تلاش می‌شود ذیل سرفصل «چارچوب نظری شوخی کردن در اسلام»، موضع کلی اسلام در قبال این عمل و همچنین مختصات کمی و کیفی مطلوب آن ترسیم شود. در نهایت نیز در جمع بندی، «الگوی اسلامی شوخی کردن» ارائه می‌گردد.

۱. طرح مسئله

مراجعه به روایات اهل بیت (ع)، ما را با دو سنخ موضع‌گیری متفاوت و حتی به ظاهر متضاد در قبال شوخی کردن مواجه می‌کند. در این مراجعه، از یک طرف، سخنان و رفتار ایشان را این گونه می‌یابیم که هم خود شوخی می‌کردند و هم با ستایش و مدح این عمل، پیروان خود را تشویق به شوخی کرده و آن را نشانه مؤمن می‌دانستند.^۱

علاوه بر دو روایتی که در مقدمه مقاله آمد، در روایتی از رسول خدا (ص) آمده است: «الْمُؤْمِنُ دَعِبٌ لَعِبٌ وَ الْمُنَافِقُ قَطِبٌ غَضِبٌ» (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۹) (مؤمن خنده رو و شوخ است و منافق عبوس و خشم‌ناک). طبق این روایت، صفت مؤمن خنده‌رو بودن و شوخ‌طبعی است و بر این اساس، در یک سطح تربیتی، مؤمن باید خود

را به این دو صفت متصف کند و در سطح شناختی، ملاک تمیز مؤمن و منافق از یکدیگر را باید صفت مذکور دانست.

از طرف دیگر، سلسله سخنان و رفتارهای دیگری از پیشوایان معصوم (ع) وجود دارد که سراسر نكوهش و سرزنش این صفت و صاحبان آنان است؛ به گونه‌ای که خنده و شوخی را از خردمندان و اندیشمندان دور دانسته و آن را نشانه کم خردی بر شمرده اند.

به عنوان مثال، امام علی (ع) فرمودند: «ما مَرَحَ امرؤٌ مَرَحَهُ إِلَّا مَجَّ مِنْ عَقْلِهِ مَجَّةً» (رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۵۵) (هیچ کس شوخی و مزاحی نکرد مگر این که اندکی از عقل او کاسته شد). یا از قول امام صادق (ع) آمده است: «إِيَّاكُمْ وَ الْمِرَاحَ فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِمَاءِ الْوَجْهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۶۴) (مبادا مزاح کنید که آبرو را می برد) بر اساس توضیح بالا، سؤال اصلی اول این مقاله آنست که با توجه به دو دسته نگاه متفاوت و حتی متضاد نسبت به شوخی کردن، نظر مطلوب و نهایی اسلام در قبال «اصل شوخی کردن» چیست؟ در این جهت، آیا می توان به نحوی این دو نوع نگاه را با هم جمع کرد؟ سؤال دومی که بر اساس سؤال اول می توان مطرح کرد آنست که اگر دو نگاه قابل جمع باشد، مختصات کلی شوخی کردن از نظر کمی و کیفی در اسلام چگونه است؟ در این جهت حدود شوخی و گزکارکردهای آن چیست؟

۲. مفهوم شناسی شوخی

برای واژه شوخی در فرهنگ‌نامه‌های فارسی، معانی مختلفی ذکر شده است. در لغت نامه دهخدا، ذیل این واژه معانی‌ای همچون: «چرکی، دناست، درن، وسخ، پلیدی، بی ادبی، بی حیایی، بی شرمی، گستاخی، دریدگی، سماجت، وقاحت، تهور، بی باکی، شادی و خوشی، عشرت و سرور و خرمی، عشوه‌گری، طنزازی، شیطانی و بازی طفل بیش از حد و در تداول امروز، مزاح، مطایبه، مفاکجه، خوش طبعی که در مقابل جدی است»، آمده است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۹، ص ۱۲۸۲۲)

در فرهنگ معین؛ «گستاخی، بی شرمی، خوشی، مزاح، هزل که در مقابل جدی به کار می رود»، ذکر شده است. (معین، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۲۰۸۵) همان‌طور که دهخدا هم

تصریح می‌کند معانی‌ای همچون: چرکی و بی ادبی و بی‌حیایی و ... که دارای بار معنایی منفی است، بیشتر در گذشته مرسوم بوده و امروزه کمتر مورد توجه است و در مقابل، معنای امروزی این واژه، بیشتر دارای بار معنایی مثبت بوده و به معنای مزاح و خوش طبعی است که مدنظر مقاله نیز همین مفهوم و معنا می‌باشد.

لغت نامه «فرهنگ بزرگ سخن»، معنای امروزی «شوخی» را به شکل تفصیلی‌تر، چنین تعریف می‌کند: «شوخی به عمل یا سخنی گفته می‌شود که در مخاطب نوعی احساس دل‌پذیر ایجاد می‌کند و او را به خنده می‌اندازد و انسان شوخ کسی است که به خاطر گفتن سخنان شیرین و خنده‌آور باعث خوشی دیگران می‌شود» (انوری، ۱۳۸۱، ج ۵، ص ۴۵۹۷).

در این تعریف چند نکته قابل توجه است:

الف) شوخی را صرف یک گفتار و امر کلامی و زبانی نمی‌داند، بلکه جنبه عملی هم به آن می‌دهد. یعنی یک عمل و کار هم می‌تواند شوخی تلقی شود.

ب) تحقق ایجاد حس دل‌پذیری و سرخوشی در مخاطب را ملاک اصلی شوخی کردن تلقی می‌کند. این در حالی است که در مقابل این نگاه می‌توان نیت شوخی‌کننده جهت مزاح را شرط تحقق شوخی دانست؛ خواه این عمل یا سخن همراه با نیت شوخی، باعث ایجاد حس خوشی یا خندیدن در مخاطب بشود یا نشود. به بیان دیگر، در تعریف «شرط فعلی و تحقق غایت» لحاظ شده است و نه «شرط فاعلی و نیت شوخی‌کننده».

اما در زبان عربی، شوخی با توجه به معناشناسی آن در زبان فارسی، معادل واژه‌های «مزاح»، «دُعابهٔ»، «لَعِب» و «فُكَاهَةٌ» می‌باشد که از نظر لغوی چیزی است که «نقیضُ الجِدِّ» یا «ضد الجِد» است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۳۷۵ و ج ۱، ص ۷۳۹ و ج ۲، ص ۵۹۳ و ج ۱۳، ص ۵۲۳). به بیان دیگر، هر چه جدی نباشد، شوخی تلقی می‌شود. واژه «مزح» که اسم آن «المُزاح» و مصدر آن «المِزاح» است، معادل واژه الدعابه آمده است (طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۱۶۹۲).

در جای دیگری، این واژه چنین تعریف می‌شود: «کلام الرجل بغیر ما یریده، ضاحکاً» (حمیری، ۱۴۲۰ق، ج ۹، ص ۶۲۸۸) طبق این تعریف کلامی که جدی نباشد

یعنی واقعاً معنای آن اراده نشده و همچنین همراه با خنده گوینده آن باشد، شوخی تلقی می‌شود. کتاب «تاج العروس من جواهر القاموس» نیز مزاح را مخالف جدیت دانسته و در توضیح بیشتر آن می‌نویسد: «أَنَّه الْمُبَاسِطَةُ إِلَى الْغَيْرِ عَلَى جِهَةِ التَّلَطُّفِ وَ الْاسْتِعْطَافِ دُونَ أَذِيَّةٍ، حَتَّى يَخْرُجَ الْاسْتِهْزَاءُ وَ السُّخْرِيَّةُ» (زبیدی، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۰۳) ایجاد گشودگی و فرح در دیگری از جهت مهربانی و عاطفه داشتن نسبت به او و نه از جهت اذیت کردن، لذا استهزاء و مسخره کردن از دایره آن خارج می‌شود.

دقت بیشتر در این تعریف نشان می‌دهد که معنای شوخی را صرفاً ایجابی و مثبت می‌داند و جنبه‌های منفی و کژکارکردهای آن را از شمول تعریف خارج می‌کند. در «معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهية» نیز به تعریف پیشین، «مزاح» را «مبأسطة لا تؤذی المخاطب ولا توجب حقارته، بخلاف الهزل والسخرية: أی الاستهزاء» دانسته؛ یعنی به معنای آنچه باعث انبساط خاطر و ایجاد لبخند شده و همراه با ملاحظت، ملاطفت، مهربانی و بدون اذیت و حقارت است» (عبدالمنعم، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۶۶).

این تعریف نیز مانند تعریف پیشین به غایت شوخی که ایجاد لبخند و انبساط خاطر است توجه دارد. همچنین این تعریف، صورت و شکل شوخی را ملاک تحقق آن دانسته است و شروطی چون ملاحظت و ملاطفت و مهربانی را در آن لحاظ کرده است.

در زبان انگلیسی نیز، شوخی معادل واژه‌های "Joke"، "Humor"، "Prank" و ... است. (جعفری، ۱۳۷۶، ص ۵۷۴). مروری بر این واژگان، نشان می‌دهد که درون‌مایه محتوایی اصلی این واژگان، "Amusement" یا «سرگرمی» است و این واژگان را اموری دانسته‌اند که باعث سرگرم شدن می‌شود. در تعریف «Amusement» نیز دو سطح معنایی مدنظر است: ۱- ایجاد حس خوشی و دل‌پذیری در یک فرد ۲- به خنده در آوردن دیگری. (<http://dictionary.reference.com>)

بررسی لغوی واژه شوخی در سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی ما را با دوگانه‌های ذیل در اخذ تعریف مختار مواجه می‌کند:

- صورت عینی در شوخی‌کننده: زبان یا عمل؟
- شرط تحقق: نیت مزاح در شوخی‌کننده یا ایجاد سرخوشی مخاطب؟

• نوع اثر بر مخاطب: ایجاد خوشی باطنی در مخاطب یا خندانند ظاهری او؟

این مقاله در تمام دوگانه‌ها، قائل به جمع است. در دوگانه «زبان-عمل»، شوخی کردن را هم یک امر زبانی می‌داند و هم یک امر عملی. طبیعتاً در امر زبانی، دو قالب گفتار و نوشتار قابل تحقق است و امر عملی از غیر زبان در گفتن و نوشتن تحقق می‌یابد. در دوگانه دوم نیز هم تحقق «نیت مزاح در شوخی‌کننده» و هم «ایجاد سرخوشی مخاطب» لازم است و در نهایت در دوگانه سوم، شوخی را عملی می‌داند اعم از ایجادکننده سرخوشی درونی و خندانند بیرونی. بر همین اساس می‌توان گفت که شوخی کردن به عمل زبانی و غیرزبانی‌ای اطلاق می‌شود که عامل آن به قصد ایجاد خوشی درونی یا خندانند ظاهری مخاطب می‌تواند سبب سرخوشی و خندیدن او شود.

۳. چارچوب نظری شوخی کردن در اسلام

۳-۱. موضع اسلام نسبت به اصل شوخی کردن

همان گونه که در طرح مسئله گفته شد مروری بر سیره رسول خدا (ص) و معصومین (ع) ظاهراً نشان از دو نوع موضع در قبال شوخی دارد. موضع اول؛ خود شوخی می‌کردند و نیز یاران و اصحاب خود را به این کار سفارش می‌فرمودند. در همین راستا می‌توان به نمونه‌های ذیل اشاره کرد:

امام علی (ع) می‌فرماید: «کان رسول الله (ص) لیسّر الرجل من أصحابه إذا رآه معمّوماً بالمُداعبه و كان یقول إن الله یبغض المعبس فی وجهه إخوانه» (شهید ثانی، ۱۳۹۰ق، ص ۸۳) (پیامبر خدا (ص) هرگاه یکی از اصحاب خود را ناراحت می‌دید، با شوخی او را شاد می‌کرد و می‌فرمود: خداوند کسی را که در مقابل برادران خود عبوس باشد، دشمن دارد).

طبق این روایت، رسول خدا (ص) هم عملاً شوخی می‌کردند و هم کسی که شوخی نمی‌کرده‌است را دشمن خدا معرفی می‌کنند یا در مورد امام صادق (ع) روایت

شده است: «كَانَ كَثِيرَ الدُّعَابَةِ وَ التَّبَسُّمِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۷، ص ۳۳) (بسیار شوخ طبع و متبسم بود).

یونس شیبانی گوید: امام صادق (ع) فرمود: شوخی کردن شما با همدیگر چگونه است؟ عرض کردم: اندک است، فرمود: این گونه نباشید زیرا شوخی از خوش خلقی است و تو بدان وسیله برادرت را خوشحال و مسرور می‌کنی و هر آینه رسول خدا(ص) با کسی شوخی می‌کرد، می‌خواست او را شاد و مسرور کند.^۳ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۶۳) بر اساس این روایت شریف، کنش شوخی ریشه در یک کمال نفسانی به نام خوش خلقی دارد و کارکرد اصلی آن نیز ایجاد سرور در دل دیگران است.

فضل بن ابی قره گوید امام صادق (ع) فرمودند: «مَا مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَ فِيهِ دُعَابَةٌ قُلْتُ وَ مَا الدُّعَابَةُ قَالَ الْمِزَاحُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۶۳) (هیچ مؤمنی نیست جز اینکه در او دعابه هست، من عرض کردم: دعابه چیست؟ فرمود: مزاح). این روایت نیز به صراحت یکی از شروط لازم مؤمن بودن را اهل مزاح بودن می‌داند. در روایت دیگری از امام باقر (ع) بر نشاط‌انگیز بودن مجالس مؤمنان تأکید شده است: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَجِبُ الْمُدَاعِبَ فِي الْجَمَاعَةِ» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۴۷۴) «همانا خداوند تبارک و تعالی دوست می‌دارد کسی را که در میان جمع شوخ طبعی کند.»

از مجموع این روایات و روایات بسیار دیگری که در کتب حدیثی وجود دارد، می‌توان برداشت نمود که شوخی و مزاح نزد دین و شارع ممدوح و پسندیده است. این عمل از دو جهت قابل مدح است: از یک طرف ناشی از یک کمال درونی و انبساط باطنی در انسان است. یعنی از جلوه‌های انسان خوش اخلاق که دارای کمالات نفسانی است، شوخی کردن و مزاح نمودن با دیگران است، بنابراین شوخی از یک منش درونی ناشی شده است. از طرف دیگر، شوخی کردن دارای کارکرد مفیدی همچون خوشحال کردن مؤمنان و ادخال سرور در آنها است که ضمن تلطیف فضای اجتماعی مؤمنان باعث انسجام و وحدت بیشتر جامعه دینی می‌شود.

اما در مقابل این دسته از روایات با موضع دیگری از روایات مواجهیم که در آنها معصوم (ع) مزاح و شوخی را مذموم دانسته و از آن نهی کرده است: امام کاظم (ع) می

فرمایند: «ایاک و المزاح؛ فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِنُورِ إِيْمَانِكَ، وَ يَسْتَخِفُّ بِمُرُوءِيَّتِكَ» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۴۰۸) (از شوخی بپرهیز، که نور ایمانت را می برد و مردانگی تو را سبک می گرداند).

می توان از این روایت برداشت کرد که مزاح اثر منفی روی ایمان انسان دارد و آبروی او را می ریزد. یا امام صادق (ع) می فرمایند: «إِذَا أَحْبَبْتَ رَجُلًا فَلَا تُمَازِحْهُ وَلَا تُمَارِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۶۴) (اگر به کسی علاقه و محبت داری، با او شوخی مکن) طبق این روایت شوخی با دوستان مذموم شمرده شده است. همچنین امام علی (ع) فرمودند: «مَا مَزَحَ امْرُؤٌ مَزْحَةً إِلَّا مَجَّ مِنْ عَقْلِهِ مَجَّةً» (رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۵۵) (هیچ کس شوخی و مزاحی نکرد مگر این که اندکی از عقل او کاسته شد).

طبق این روایت مزاح نشانه کم عقلی و کم خردی است. لذا عاقلان کسانی هستند که شوخی نمی کنند. در روایت دیگری امام صادق (ع) به صراحت از مزاح نهی می کنند: «لَا تُمَازِحْ فَيَجْتَرَأَ عَلَيْكَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۶۵) (با همدیگر شوخی نکنید، زیرا موجب می شود که دیگران بر شما جرأت پیدا کنند). چرا که مزاح را عاملی برای تجری و جسارت دیگران می دانند. همچنین ایشان در جای دیگر می فرمایند: «إِيَاكُمْ وَالْمِزَاحَ فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِمَاءِ الْوَجْهِ وَمَهَابَةُ الرَّجَالِ». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۶۵) (پرهیزید از شوخی، زیرا آبرو را ببرد و مردان را سبک کند) طبق این روایت شوخی باعث آبروریزی و کسر شأن مردانگی است. در نهایت به این روایت اشاره می شود که، امام علی (ع) در فرازی از وصیت خود به امام حسن (ع) می فرمایند: «الْمِزَاحُ يُوْرِثُ الضَّعَائِنَ» (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۸۶) (از شوخی کینه ها خیزد)

نتیجه آنکه، در دسته دوم روایات، رویکرد جدی نسبت به شوخی کردن وجود دارد؛ به طوری که ضمن نهی از آن توسط معصوم (ع)، تبعات و عواقبی همچون کاستن از عقل، بردن نور ایمان، سبک کردن مردانگی، کاستن از هیبت و ... ذکر شده است.

حال سؤال مهم و اساسی آنست که اصل شوخی کردن نزد معصوم (ع) امری ممدوح بوده است یا مذموم؟ بر همین اساس، موضع اول روایات را باید پذیرفت و

موضوع دوم را بر اساس آن توجیه کرد یا برعکس؟ کیفیت جمع میان این دو دسته روایات چگونه است؟

۳-۱-۱. ممدوح بودن اصل شوخی در اسلام (جمع میان روایات)

در پاسخ به سؤال فوق به نظر می‌رسد دو دسته روایات از جهت درایه الحدیث و فهم فحوای مدنظر معصوم (ع) قابل جمع با یکدیگر است و تعارضی بین آنها مشاهده نمی‌شود. توضیح بیشتر آنکه همانطور که در روایات دسته اول دیدیم، اصل شوخی کردن در اسلام امری ممدوح و پسندیده است.

جنبه مدح نیز از آن جهت است که اولاً ناشی از خوش خلقی انسان است و بنابراین منشأ آن فی حد ذاته کمالات نفسانی و باطنی انسان است. ثانیاً فی نفسه اثرات مثبتی را از حیث رفتار اجتماعی در جامعه دینی می‌گذارد. شوخی کردن با حفظ شرایط و ضوابط آن باعث مرتفع شدن ناراحتی‌های درونی، رفع کدورت‌ها و ایجاد صمیمیت و قربات‌های ذهنی افراد می‌شود که بالتبع انسجام و وحدت را در جامعه دینی به ارمغان می‌آورد. بنابراین کارکرد مهم افزایش وحدت اجتماعی بر نفس شوخی مترتب است. اما به نظر می‌رسد وجه الجمع روایات دسته دوم که به ظاهر نافی شوخی هستند با روایات دسته اول، این باشد که این روایات، اصل و نفس شوخی کردن را مورد نفی و انتقاد قرار نمی‌دهند بلکه عناوین ثانویه‌ای که همراه و مقرون با شوخی کردن می‌شوند را مردود می‌دانند.

در همین رابطه استناد به این دو روایت راه‌گشا است که:

الف) از رسول اکرم (ص) نقل شده است: «إِنِّي لَأَمْزُحُّ وَلَا أَقُولُ إِلَّا حَقًّا» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶، ص ۲۹۸). (من مزاح می‌کنم، ولی جز حق نمی‌گویم). طبق این روایت، اصل شوخی کردن جزء سیره عملی پیامبر خدا (ص) بوده است اما حد این شوخی تا آنجا بوده است که ایشان را از مدار حق خارج نمی‌کرده است. «حق‌مداری در شوخی» نیز بدان معناست که شوخی نباید مقرون با گناه و معصیت باشد. رسول مکرم اسلام (ص) در روایت دیگری بر خالی بودن شوخی از معصیت تصریح بیشتری

دارند.^۴ بنابراین مهمترین ضابطه شوخی، خالی بودن آن از گناه است. اینکه مصادیق شوخی گناه‌آلود چیست؟ بحثی است که در مباحث آینده خواهیم داشت.

ب) امیر مؤمنان (ع) فرمودند: «الإفراطُ فی المزحِ خُرقٌ» (تمیمی آمدی، ۱۰۴۱ق، ص ۶۳) (زیاده‌روی در شوخی، سست رأیی، حماقت و نادانی است). طبق این روایت هر گاه در شوخی کردن افراط و زیاده‌روی صورت گیرد، این زیاده‌روی منجر به حماقت و نادانی در فرد شوخی‌کننده می‌شود. به تعبیر دیگری شوخی افراطی از مصادیق حماقت است. لذا کسی را که زیاد شوخی می‌کند، می‌توان احمق پنداشت. آنچه این روایت و روایات شبیه به آن متعرض آن می‌شوند، اصل شوخی کردن نیست بلکه افراط و زیاده‌روی در آن است؛ کما اینکه زیاده‌روی و افراط در هر امری، مفسد آثار خوب آن است حتی اگر آن امر ممدوح و پسندیده باشد. چه بسا افراط در نماز یا روزه، مفسد و از بین برنده آثار آن باشد.^۵

بنابراین همانطور که اصل اعتدال از اصول مسلم اسلامی است، این اصل در قبال شوخی کردن هم جاری و ساری است. بسیاری از روایات نیز که شوخی را امری مذموم می‌دانند، کثرت و زیاده‌روی در آن را مورد نظر داشته‌اند و نه اصل آن را. ذیلاً به چند روایت اشاره می‌شود:

- رسولُ الله (ص): «كثرةُ المزاحِ يذهبُ بماءِ الوجهِ.» (شوخی زیاد، آبرو را میبرد.)
- الإمامُ علی (ع): «كثرةُ المزاحِ تُسقطُ الهيبةَ» (شوخی زیاد [انسان را] از هیبت می‌اندازد.)
- عنه (ع): «كثرةُ المزاحِ تُذهبُ البهاءَ، و تُوجبُ الشَّحْنَاءَ» (شوخی زیاد، ارج و احترام را می‌برد و موجب دشمنی می‌شود.)
- عنه (ع): «مَنْ كَثُرَ مِزَاحُهُ اسْتَجْهَلَ» (هر که زیاد شوخی کند، نادان شمرده میشود.)
- عنه (ع): «مَنْ كَثُرَ مِزَاحُهُ اسْتَحْمَقَ» (هر که زیاد شوخی کند، احمق به شمار می‌آید.)

• عنہ (ع): «مَنْ كَثُرَ مَزْحُهُ قَلَّ وَقَارُهُ» (هر که زیاد شوخی کند، وقارش کم میشود.) (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶، ج ۱۰، ص ۵۱۸)

نکته قابل توجه آنکه بسیاری از روایات در ذم کثرت شوخی یا افراط در آن از نظر محتوایی و معنایی کاملاً مشابه روایاتی هستند که پیش از این به طور مطلق اصل شوخی را مذموم شمرده بودند. طبق این چند نمونه از روایات و نمونه‌های فراوان دیگری از روایات، افراط در شوخی، موجب آبروریزی، ایجاد دشمنی، کاهش وقار و حماقت‌انگاری و نادان‌انگاری می‌شود؛ کماینکه نوع مباحث مطرح شده مشابه مباحث مطرح شده در روایات مخالف شوخی است.

بر همین اساس می‌توان گفت آن روایات کلی و مطلق، از طریق روایات فوق، از معنای کلی «ذم اصل شوخی» به معنای جزئی «ذم شوخی افراطی» منصرف می‌شوند. لذا می‌توان ادعا نمود که در آن روایات نیز، منظور معصوم (ع)، کثرت شوخی و افراط در آن بوده است و نه اصل آن. به عبارت دیگر روایات مطلق توسط روایات مقید، مقید می‌شود و به این وسیله تعارض ظاهری و ابتدائی و غیر مستقر رفع می‌گردد.^۶

منظر فقهی نیز مؤید آنچه در بالا استدلال شد، می‌باشد: در کتاب «فرهنگ فقه» چنین آمده است که: «شوخی کردن در صورت عدم آلودگی به سخن زشت و ناسزا، مستحب است. ... لیکن شوخی زیاد، جز در سفر، نکوهیده و مکروه است.^۷ شوخی کردن در مسجد و در تشییع جنازه کراهت دارد.» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۷۳۴) طبق این تقریر فقهی، اصل شوخی، مستحب، زیادی آن، مکروه (جز در سفر) و شوخی در مسجد و تشییع جنازه مطلقاً کراهت دارد.^۸

در یک جمع‌بندی از این بحث، می‌توان گفت که روایات درباره شوخی کردن با یکدیگر تعارض ندارند، اصل شوخی به واسطه آثار مثبت روانی و اجتماعی آن نزد شارع ممدوح و پسندیده است. آنچه مورد نهی شارع است «شوخی ممزوج به گناه» و «افراط در شوخی کردن» است. در ادامه، جهت تکمیل الگوی اسلامی شوخی کردن، «مصادیق شوخی ممزوج به گناه (گناه آلود)» «مصادیق افراط در شوخی (شوخی زیاده)» و «آثار و کژکارکردهای شوخی مذموم» مورد اشاره قرار می‌گیرد.

۲-۲. حدود شوخی کردن در اسلام

۲-۳-۱. مصادیق شوخی گناه‌آلود

همانطور که گفته شد، شوخی کردن باید همراه با حق باشد، این بدان معناست که در شوخی باید از گناهان زبانی و غیرزبانی اعراض کرد. این در حالی است که شوخی کردن در اثر غفلت و جهل می‌تواند در معرض گناه باشد.

البته توجه به این نکته لازم است که از آنجا که در مشی روزانه مصادیق شوخی زبانی بر شوخی غیرزبانی غلبه دارد، طبیعی است که معرضیت آن در مقابل گناهان زبانی بیش از گناهان غیرزبانی است. بنابراین در مصداق‌شناسی شوخی گناه‌آلود، بیشتر موارد ناظر به شوخی زبانی گناه‌آلود است.

۲-۳-۱-۱. شوخی همراه با فحش و ناسزا

گاهی ممکن است انسان با فحاشی یا ناسزاگویی به فردی موجبات سرخوشی یا خندانیدن دیگران را فراهم کند. این در حالی است که دین اسلام بر اجتناب از به زبان راندن الفاظ زشت و ناسزا تأکید دارد. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «إِنَّ مِنْ شَرِّ عِبَادِ اللَّهِ مَنْ تُكْرَهُ مُجَالَسَتُهُ لِفُحْشِيهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۲۵) (از جمله بندگان بد خداوند است کسی که به خاطر فحاشی و بد زبانی از معاشرت با او پرهیز کنند).

در همین جهت، در شوخی‌ها نیز رعایت این اصل واجب است. عبد الله بن محمد جعفری گوید: شنیدم حضرت باقر (ع) می‌فرمود: خدای عزوجل آن کس که میان جمعی شوخی و خوشمزه‌گی کند دوستش دارد در صورتی که فحشی نباشد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۶۳). طبیعتاً چون شوخی همراه با ناسزاگویی از مصادیق اشاعه فحشا بوده و نوعاً موجب آزار دیگران می‌شود، اساساً از فلسفه شوخی که کمک به ارتقای انسجام اجتماعی است، فاصله می‌گیرد.

۲-۳-۱-۲. شوخی همراه با استهزاء و تمسخر

یکی از رایج‌ترین انواع شوخی، استفاده از ابزار تمسخر است. هیچ‌گاه یک مسلمان مجاز نیست که با کوچک شمردن دیگری یا توهین به او یا برشمردن عیوبش، دیگران

را به خنده وا دارد. خدای متعال در قرآن کریم فرموده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را مسخره کنند، شاید آنها از اینها بهتر باشند و نه زنانی زنان دیگر را، شاید آنان بهتر از اینان باشند و یکدیگر را مورد طعن و عیبجویی قرار ندهید...». (حجرات: ۱۱)

این نوع شوخی از آن جهت مذموم شمرده شده است که برای مجلس آرایبی و خنداندن حاضران از آبرو و حیثیت دیگران مایه گذاشته می‌شود و خاطر شخصی را که مورد تمسخر قرار گرفته است، آزرده می‌شود.

۳-۲-۱-۳. شوخی همراه با اذیت و آزار

یکی دیگر از شرایطی که باید در شوخی رعایت شود، دوری از اذیت، آزار و ستم کردن به دیگران است. ایجاد سرخوشی و خنداندن دیگران نباید با ابزار اذیت و آزار کسی صورت گیرد. این مورد، بیشتر در شوخی‌های غیرزبانی مصداق دارد که به عنوان مثال با پس‌گردنی به کسی یا کشیدن صندلی از زیر پای او، درصدد خنداندن دیگران می‌شویم. امام کاظم (ع) در این باره می‌فرماید: «لَيْسَ مِنْ أَخْلَاقِ الْمُؤْمِنِينَ الْعَشُّ وَ لَا الْأَذَى» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۲۲) (دغلکاری و آزار، از اخلاق مؤمنان نیست).

شوخی بی جا که باعث آزرده‌گی و ناراحتی مخاطب می‌شود، ممکن است به قطع دوستی و ایجاد دشمنی تبدیل شود. به همین خاطر امام صادق (ع) از شوخی کردن با دوستان و افراد مورد علاقه منع می‌کنند: «إِذَا أَحْبَبْتَ رَجُلًا فَلَا تُمَازِحْهُ وَ لَا تُمَارِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۶۴) (اگر به کسی علاقه و محبت داری، با او شوخی مکن و با او ستیزه مجوی) این شرط، تا آنجا مهم است که همانطور که پیش از این گفته شد در کتاب لغت تاج العروس، داخل در معنای مزاح و شوخی شده و شرط تحقق آن در نظر گرفته شده است.

۳-۲-۱-۴. شوخی همراه با دروغ

دروغ عنصر دیگری است که ممکن است ممزوج با شوخی شود.^۹ برخی برای خندانند افراد از مطالب خلاف واقع استفاده می‌کنند. به عنوان مثال ممکن است شخصی خاطره‌ای را به دروغ برای دیگران نقل کند تا آن‌ها را بخندانند و یا داستانی را طوری طرح کند که واقعیت آن عوض شود. امام علی (ع) به صراحت در این باره هشدار می‌دهند؛ «لَا يَجِدُ عَبْدٌ طَعْمَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَتْرُكَ الْكُذِبَ هَزْلَةً وَ جِدَّةً». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۴۰) (هیچ بنده‌ای طعم ایمان را نمی‌چشد، مگر این که دروغ را، چه شوخی و چه جدی ترک کند)

همچنین در جای دیگری، امیرمؤمنان (ع) مزاح کردن صادقانه را بدون مشکل می‌دانند و می‌فرمایند: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْخُذُ الْمَزَاحَ الصَّادِقَ فِي مَزَاحِهِ» (پابنده، ۱۳۸۲، ص ۳۱۴) (خداوند شوخی‌کننده‌ای را که در شوخی خود راستگو باشد مؤاخذه نمی‌کند). رسول خدا (ص) همچنین در موعظه و اندرزی به ابوذر می‌فرمایند: «آدمی گاه در جمعی برای خندانند آن‌ها سخنی می‌گوید و به سبب آن در جهنمی به فاصله آسمان تا زمین سقوط می‌کند. و وای بر کسی که برای خندانند مردم سخن دروغ بگوید؛ وای بر او، وای بر او، وای بر او» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۳۶ و ۵۳۷).

در روایت دیگری از پیامبر اعظم (ص)، شرط استکمال ایمان در فرد را اجتناب از دروغ در شوخی می‌دانند: «لَا يَسْتَكْمِلُ الْمَرْءُ الْإِيمَانَ حَتَّى يَجِبَ لِأَخِيهِ مَا يَجِبُ لِنَفْسِهِ وَ حَتَّى يَجْتَنِبَ الْكُذِبَ فِي مَزَاحِهِ». (بنده به کمال ایمان نرسد مگر آن که آنچه برای خود دوست دارد برای برادرش نیز دوست بدارد و در شوخی اش از دروغ اجتناب کند.) (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۹، ص ۲۵۷).

۳-۲-۱-۵. شوخی همراه با تلذذ جنسی

ابو بصیر می‌گوید: در کوفه به زنی قرآن می‌آموختم که با او مزاح کردم. وقتی خدمت امام محمد باقر (ع) رسیدم، مرا توبیخ کرد و فرمود: هر کس در خلوت، مرتکب گناه شود، خداوند به او توجه نمی‌کند. تو به آن زن چه گفتی؟ از حیا و خجالت، صورتم را پوشاندم و توبه کردم.

پس حضرت فرمود: دیگر چنین کاری نکن. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۶، ص ۲۵۸) و کسی که با زنی نامحرم از سر شهوت شوخی و مزاح کند، به ازای هر کلمه‌ای که بر زبان آورده باشد هزار سال او را نگاه دارند. (صدوق، ۱۳۸۱، ص ۷۱۹) فقهاء نیز شوخی همراه با لذت جنسی و ریبه را حرام دانسته‌اند (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۴۵۳، سؤال ۱۷۲۰ و حسینی خامنه‌ای، بی تا، س ۱۳۳۰).

۳-۲-۱-۶. شوخی همراه با غیبت

در این که غیبت مذموم و حرام است، شک وجود ندارد و روایات فراوانی در مذمت آن وارد شده است که در این مجال فرصت ذکر آنها نیست. اما شوخی همراه با غیبت زمانی رخ می‌دهد که شوخی در مورد شخصی باشد که در هنگام شوخی کردن حضور فیزیکی ندارد و محتوای شوخی طوری است که موجب اکراه و ناراحتی او می‌شود. در حقیقت شوخی غیبت‌آلود، استهزاء و تمسخر کردن افراد پشت سر آنها است. طبیعتاً مفساد و عوارض منفی دنیوی و اخروی غیبت به طور عام و کلان، قابل تسری به شوخی همراه با غیبت نیز است.

۳-۲-۲. مصادیق شوخی زیاده

در هر کاری باید اعتدال و میانه‌روی داشت و افراط و تفریط در هر کاری مضر و زیان بار است. انسان باید در خنده و شوخی خود نیز حد اعتدال را رعایت کند. همانطور که پیش از این گفته شد، امام علی (ع) می‌فرماید: «الإفراطُ فی المَرحِ خُرُقٌ». (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۶۳) (زیاده روی در شوخی، سست رأیی، حماقت و نادانی است) نگرش پیشوایان معصوم (ع) نسبت به شوخی در عرصه‌های مختلف زندگی، توصیه به اعتدال و به اندازه بودن این صفت است، به طوری که رسول خدا (ص) می‌فرماید: «أَطْلِلِ الصَّمْتِ، وَ أَكْثِرِ الْفِكْرَ، وَ أَقِلِّ الضَّحِكَ، فَإِنَّ كَثْرَةَ الضَّحِكِ مَفْسَدَةٌ لِلْقَلْبِ». (حلوانی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۸) (سکوت خود را طولانی، تفکر خویش را فراوان و خنده خود را اندک کن زیرا زیاد خندیدن باعث فساد قلب می‌شود) طبیعتاً توصیه به قلت خندیدن، توصیه به قلت عامل آن یعنی شوخی کردن را نیز همراه دارد.

اما سؤال مهم و اساسی آنست که شاخصه‌ها و ملاک‌های عملیاتی شوخی افراطی و زیادی چیست؟ چه زمان می‌توان گفت که شوخی به اندازه بوده و چه زمان می‌توان گفت که شوخی زیاده از حد بوده است؟ این سؤال مهمی است که کمتر مورد بحث و بررسی قرار گرفته است؟

کنکاش نگارندگان نشان می‌دهد که می‌توان پنج شاخص را برای شوخی زیاده مطرح کرد:

۱-۲-۲-۳. جنبه غلبه داشتن شوخی نسبت به اعمال دیگر

یک ملاک خوب عملیاتی برای تشخیص شوخی افراطی آنست که هر کسی محاسبه کند که نسبت اعمال زبانی و غیرزبانی شوخی‌آمیز او به اعمال جدی روزانه یا هفتگی یا ماهانه یا سالانه او چه میزان است؟

اگر به طور کلی، شوخی انسان بیش از جدیت او باشد، می‌توان گفت که افراط در شوخی دارد. این ملاک از این اصل کلی اسلامی نشأت می‌گیرد که در زندگی اصالت با جدیت است. امیرمؤمنان (ع) در همین رابطه می‌فرماید: «الکاملُ مَنْ غَلَبَ جِدَّةً هَزَلَةً». (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۲۸) (انسان کامل، کسی است که جدیت او بر شوخی‌اش چیره باشد) طبق این روایت شریف، آنچه در رفتار و عملکرد انسان در طول زندگی جنبه غلبه دارد، رفتارهای جدی اوست و نه شوخی کردن‌های او. شاید حکمت این روایت هم آن باشد که اگر بیشتر لحظات زندگی انسان به شوخی و مزاح صرف شود، رفته رفته به سستی اراده و کم‌همتی می‌گراید و نسبت به امور مهم دنیوی و اخروی که جز با جدیت و پشتکار به سر انجام نمی‌رسند، کوتاهی و تنبلی خواهد کرد.

۲-۲-۲-۳. بدون تأمل و تفکر بودن شوخی

گاهی ممکن است شوخی کردن آنچنان ملکه و عادت ذهنی و رفتاری انسان بشود که به طور ناخودآگاه و بدون تفکر و تأمل پیشینی و بدون محاسبه درونی از حیث اقتران آن با معاصی - که در بخش پیشین تشریح شد - از انسان صادق شود؛ به نظر می‌رسد این حد از ملکه و عادت به شوخی کردن که سبب می‌شود، ارزشیابی انسان نسبت به

کم و کیف شوخی از بین برود، مطلوب نیست و می‌تواند مصداقی از شوخی زیاده تلقی شود.

به بیان دیگر، هرگاه انسان خواست شوخی کند، پیش خویش و لو چند لحظه، محاسبه نمود که آیا این شوخی به جا و مشروع است یا نیست، می‌توان گفت که شوخی‌کردنش به اندازه است اما اگر آنچنان عادت به شوخی کرده و آنچنان افراط نموده که این عمل از فرایند خودکنترلی صادر نمی‌شود، می‌توان گفت به حد شوخی زیادی رسیده است.

۳-۲-۲-۳. کثرت عرفی شوخی

یکی دیگر از شاخصه‌های افراط در شوخی، عرف و سیره مردم است. در این که عرف چیست؟ مباحث چالش‌برانگیز فراوانی مطرح شده است که در این مجال امکان طرح آنها نیست.^{۱۰} مزیداً بر آنکه موضوعیتی برای این مقاله ندارد. در این پژوهش، عرف را «اشخاص اطراف فرد شوخی‌کننده» می‌دانیم که با او معاشرت و مراودت دارند. اگر اطرافیان، تلقی‌شان از انسان به عنوان یک فرد مزاح باشد، به نظر می‌رسد او در شوخی افراط داشته است.

به بیان دیگر، اگر از اطرافیان فرد سؤال کنند که چگونه شخصی است و آنها در توصیف او، روی شوخی‌کننده بودن او اصرار کنند، ظاهراً می‌توان گفت که او شوخی زیاده دارد. به بیان دیگر، شوخی نباید تا بدان حد باشد که جزء ویژگی‌های شخصیتی انسان مؤمن توسط دیگران تشخیص داده شود. شاید روایاتی که کثرت شوخی را به جهل و حماقت ربط می‌دهند نیز ناظر به همین ملاک باشد. یعنی شوخی زیادی که سبب شکل‌دهی به شخصیت و هویت فرد نزد دیگران می‌شود، طبیعتاً او را به عنوان یک فرد احمق یا جاهل معرفی می‌کند.

۳-۲-۲-۴. معرضیت در معصیت

شاخصه ای دیگر را می‌توان «میزان در معرض قرار دادن فرد در معصیت و گناه» دانست. اگر شوخی به حدی باشد که دائماً انسان را در زندگی روزمره تا لبه پرتگاه

گناهان و معاصی- که ذکرشان پیش از این گذشت- می برد، می تواند از مصادیق شوخی افراطی تلقی شود. بنابراین اگر انسان پیش خود محاسبه کند که کم و کیف شوخی های او تا چه میزان برای ارتکاب گناهان زبانی و غیر زبانی مقدمه شده و از این محاسبه، نتیجه بگیرد که اگر بیشتر شوخی های او، چنین کژکارکردی داشته است، می تواند خود را مفرط در شوخی بداند.

۳-۲-۲-۵. بی جا بودن از حیث زمانی و مکانی

و بالاخره آخرین شاخصه این که بداند همه جا جای شوخی نیست. اگر کسی در جایی که شوخی روا نیست شوخی کند شوخی او زیاده است. در برخی حالات و در نزد برخی مقامات شوخی کردن صحیح نیست مثلاً اگر فرد محزونی که عزیزی از دست داده ببیند، باید به او تسلیت بگوید و اظهار همدردی کنند نه آن که با شوخی قصد خنداندن او را داشته باشد. در این مورد کلام کوتاه و نغز امام حسن عسکری (ع) ما را همراهی می کند که فرمودند: «لَيْسَ مِنَ الْأَدَبِ إِظْهَارُ الْفَرَحِ عِنْدَ الْمَحْزُونِ» (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۸۹) (در نزد غمدیده اظهار شادی کردن از ادب نیست).

۳-۳. کژکارکردهای شوخی مذموم

به طور کلی می توان آثار سوء و کژکارکردهای شوخی مذموم را در دو عرصه بررسی کرد: ۱- کژکارکردهای اخروی (معنوی) ۲- کژکارکردهای دنیوی (مادی). منظور از سنخ اول، آثار بد شوخی مذموم بر ساحات معنوی انسان و امور اخروی او است و منظور از سنخ دوم، آثار منفی ای است که شوخی مذموم بر ساحات مادی انسان و امور دنیوی و اجتماعی او می گذارد.

۳-۳-۱. کژکارکردهای اخروی

۳-۳-۱-۱. تضعیف ایمان

این یک اصل اساسی است که گناه، موجب تضعیف ایمان می شود. بنابراین شوخی ای که مقرون به گناه باشد- که مصادیق آن پیش از این احصاء شد- اثر منفی بر ایمان انسان

خواهد داشت. علاوه بر این، شوخی زیاده نیز در روایات مسبب ضعف ایمان معرفی شده است. در همین رابطه، امام کاظم (ع) می‌فرماید: «إِيَّاكَ وَالْمِزَاحَ؛ فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِنُورِ إِيْمَانِكَ، وَ يَسْتَخِفُّ بِمُرُوءَتِكَ» (صدوق، ۱۳۱۴ق، ج ۴، ص ۴۰۸) (از شوخی بپرهیز، که نور ایمانت را می‌برد و مردانگی تو را سبک می‌گرداند).

همچنین معصوم (ع) می‌فرماید: «إِيَّاكَ وَ كَثْرَةَ الضَّحْكَ، فَإِنَّهُ يَمِيتُ الْقَلْبَ، وَ يَذْهَبُ بِنُورِ الْوَجْهِ.» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۴۱) (بپرهیزید از خنده بسیار زیرا آن قلب را می‌میراند و آبرو و ارزش انسان را می‌زداید) شاید اشاره به این نکته خالی از لطف نباشد که شوخی افراطی، انسان را در معرض بیشتر شوخی‌های گناه‌آلود قرار می‌دهد و از این جهت می‌تواند اثر منفی بر ایمان انسان داشته باشد.

۳-۱-۲. تضعیف عقل

کار اصلی عقل، استدلال است و استدلال از امور جدی زندگی است. اگر کسی به شوخی زیاد عادت پیدا کند، تعقل او به حاشیه رانده می‌شود و به تدریج اندیشه و تفکر خود را به کناری نهاده و رفتاری عاری از تدبیر و حسابگری خواهد داشت. امام علی (ع) در همین زمینه می‌فرماید: «مَا مَزَّحَ امْرُؤٌ مَزْحَةً إِلَّا مَجَّ مِنْ عَقْلِهِ مَجَّةً» (محمدری شهری، ۱۳۸۶ش، ج ۷، ص ۵۴۵) (هیچ کس شوخی و مزاحی نکرد مگر این که اندکی از عقل او کاسته شد).

۳-۲. کژکارکردهای دنیوی

۳-۲-۱. تضعیف آبرو

شوخی مذموم و به ویژه شوخی زیاده ضمن خدشه نمودن به وقار و متانت شخص، باعث ریختن آبروی او شده؛ به طوری که دیگران، او را به عنوان فردی احمق، نادان و یاوه گو به حساب می‌آورند. روایات در این زمینه قابل توجه هستند که پیش از این نیز مورد اشاره قرار گرفته بودند.

از جمله: امام علی (ع): «مَنْ كَثُرَ مِزَاحُهُ قَلَّتْ هَيْبَتُهُ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۵۹۶) (کسی که زیاد شوخی کند هیبت و بزرگی اش کم می شود) امام باقر (ع) یا امام صادق (ع) فرمودند: «كَثْرَةُ الْمِزَاحِ يَذْهَبُ بِمَاءِ الْوَجْهِ وَ كَثْرَةُ الضَّحِكِ تَمْجُجُ الْإِيمَانَ مَجْجًا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۶۵) (شوخی زیاد، آبرو را می برد و خنده زیاد ایمان را به یک سو پرتاب می کند). امام علی (ع): «مَنْ كَثُرَ مِزَاحُهُ اسْتَجْهَلَ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۵۸۴) (هر که زیاد شوخی کند، نادان شمرده می شود).

۳-۲-۲. تقویت کینه و دشمنی

یکی از آثار سوء شوخی مذموم چه از نوع گناه آلود آن و چه از نوع افراطی آن، کاشتن بذر کینه و دشمنی در جامعه دینی است. این در حالی است که این اثر سوء سبب می شود که شوخی مذموم بر خلاف فلسفه زدودن غم و تقویت انسجام که در پس پرده اصل شوخی است، عمل کند. امام علی (ع) می فرمایند: «كَثْرَةُ الْمِزَاحِ تُذْهِبُ الْبَهَاءَ، وَ تُوجِبُ الشَّحْنَاءَ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۵۲۶) (شوخی زیاد، ارج و احترام را می برد و موجب دشمنی می شود).

همچنین حضرت (ع) بیان می دارند: «الْمِزَاحُ يُوْرِثُ الضَّغَائِنَ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۸۶) (از شوخی کینه ها خیزد) در جای دیگری امیر مؤمنان (ع) می فرمایند: «لِكُلِّ شَيْءٍ بَذْرٌ وَ بَذْرُ الْعَدَاوَةِ الْمِزَاحُ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۵۴۳) (هر چیزی را بذری است و بذر دشمنی، شوخی کردن است)

جمع بندی؛ الگوی اسلامی شوخی کردن

شوخی کردن، فی نفسه با توجه به ماهیت غیر جدی که دارد، شاید در رویکردهای پژوهشی درون دینی و برون دینی مورد غفلت قرار گیرد، اما با توجه به نقش تاریخی خود در ارتباطات انسانی به عنوان یک نوع ارتباط با کارکردها و کژکاردهای خاص خود و همچنین ضرورت متأخر آن در عصر مدرن نسبت به ایجاد رهایی و فرح بخشی در انسان خسته این عصر و به طور خاص تر در عصر اطلاعات به عنوان بخش قابل

توجهی از پیام‌های ارتباطاتی در شبکه‌های اجتماعی مجازی ضرورت بیش از پیش از تحلیل پژوهانه آن را اثبات کند.

اتفاقاً مراجعه تفصیلی به کتب روایی و حدیثی نشان می‌دهد که این کنش ارتباطی از منظر معصوم (ع) مغفول نبوده و در فعل و قول ایشان نمود داشته و موضع‌گیری بایسته و شایسته صورت پذیرفته است. اگرچه مباحث پراکنده‌ای توسط عالمان دینی و به ویژه فقهاء و اخلاقیون پیرامون شوخی کردن صورت پذیرفته است، اما جای خالی اتخاذ رویکردی نظام‌مند و سیستمی به روایات مأثور و ترسیم الگوی کنش شوخی از منظر اسلامی به شدت احساس می‌شود. رویکردی که در آن خود شوخی کردن به عنوان یک کنش ارتباطی قابل توجه در ارتباطات انسانی مورد توجه قرار گیرد.

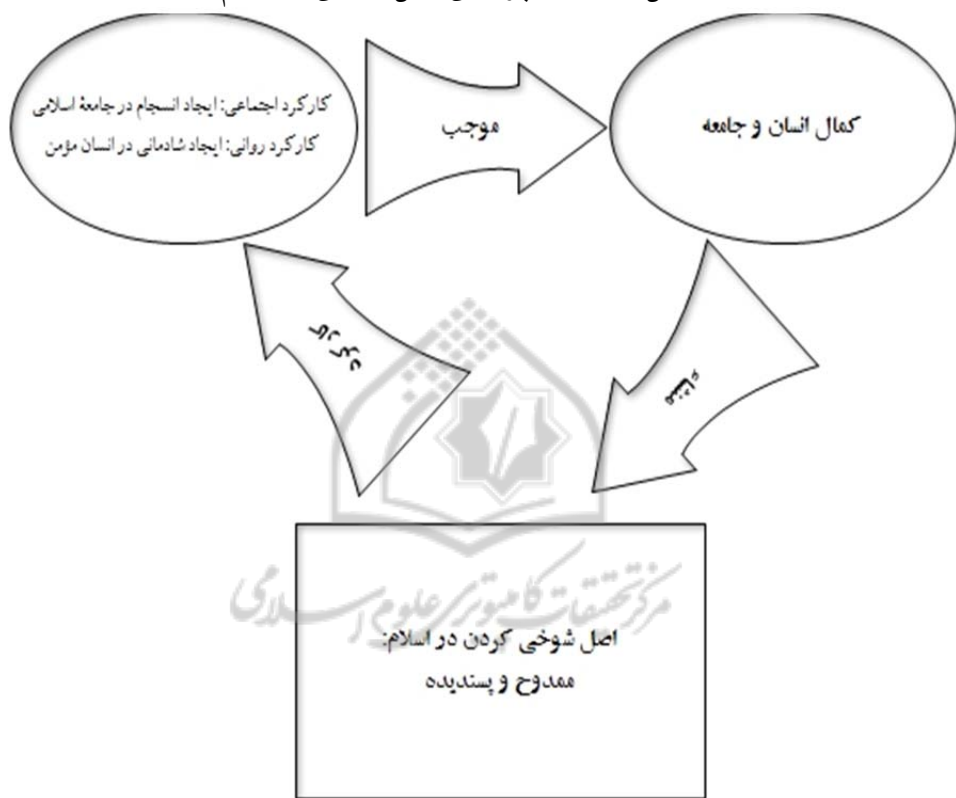
سؤال مهمی که این مقاله، کنکاش خود را از آن آغاز نمود، آن است که: اصل عنوان شوخی کردن در اسلام خوب است یا بد؟ ممدوح است یا مذموم؟ مراجعه غیر نظام‌مند و غیرجامع‌نگر، ما را با یک شکاف روایی جدی در موضع‌گیری نسبت به شوخی کردن مواجه می‌کند. اما تأمل بیشتر و کنکاش نظام‌مند نشان می‌دهد که دو دسته روایات مثبت و منفی نسبت به شوخی کردن قابل جمع با هم هستند. آنچه که این مقاله به آن رسیده آنست که اصل شوخی کردن به معنای «عمل زبانی و غیرزبانی‌ای اطلاق می‌شود که عامل آن به قصد ایجاد خوشی درونی یا خندانند ظاهری مخاطب می‌تواند سبب سرخوشی و خندیدن او شود».

در اسلام ممدوح و مورد پسند است. کما اینکه در روایات فراوان هم در سیره عملی معصوم (ع) مشاهده شده و هم در کلام ایشان مورد توصیه قرار گرفته است. آنچه که در شوخی کردن با آن مورد مخالفت قرار گرفته است، نه خود شوخی کردن بلکه عناوین مقترن با آن است. این مقاله، به طور کلی دو عنوان را که نوعاً با شوخی همراه می‌شود، از یکدیگر تفکیک نموده است: ۱- گناه ۲- افراط. آنچه در شوخی مذموم است اقتران آن با گناه و افراط در آن است.

در بحث اصل شوخی، به نظر می‌رسد می‌توان الگوی چرخشی از «شوخی»، «منشأ شوخی» و «کارکردهای شوخی» ارائه کرد. چرخشی بودن این مدل نشان می‌دهد که این عناصر، ارتباطی متقابل و بده‌بستانی باهم دارند. این بدان معناست که نمی‌توان از یک

نقطه مشخص شروع کرد و به نقطه‌ای دیگر رسید بلکه شروع از یک نقطه می‌تواند به همان نقطه با کیفیتی متفاوت ختم شود. این مدل به شکل ذیل می‌باشد:

شکل ۱. الگوی چرخشی اصل شوخی در اسلام



طبق این الگو، شوخی کردن امری ممدوح و پسندیده است، این مدح از دو جهت قابل توجیه است:

۱- منشأ ممدوح آن. ۲- کارکردهای مثبت آن.

از منظر اسلامی، منشأ شوخی و آنچه باعث می‌شود انسان شوخی کند، در سطح فردی، کمال نفسانی و در سطح اجتماعی، رشد اجتماعی جامعه است. همانطور که در سیره عملی معصوم «ع» به عنوان انسان کامل مشاهده می‌شود و با توجه به روایاتی که

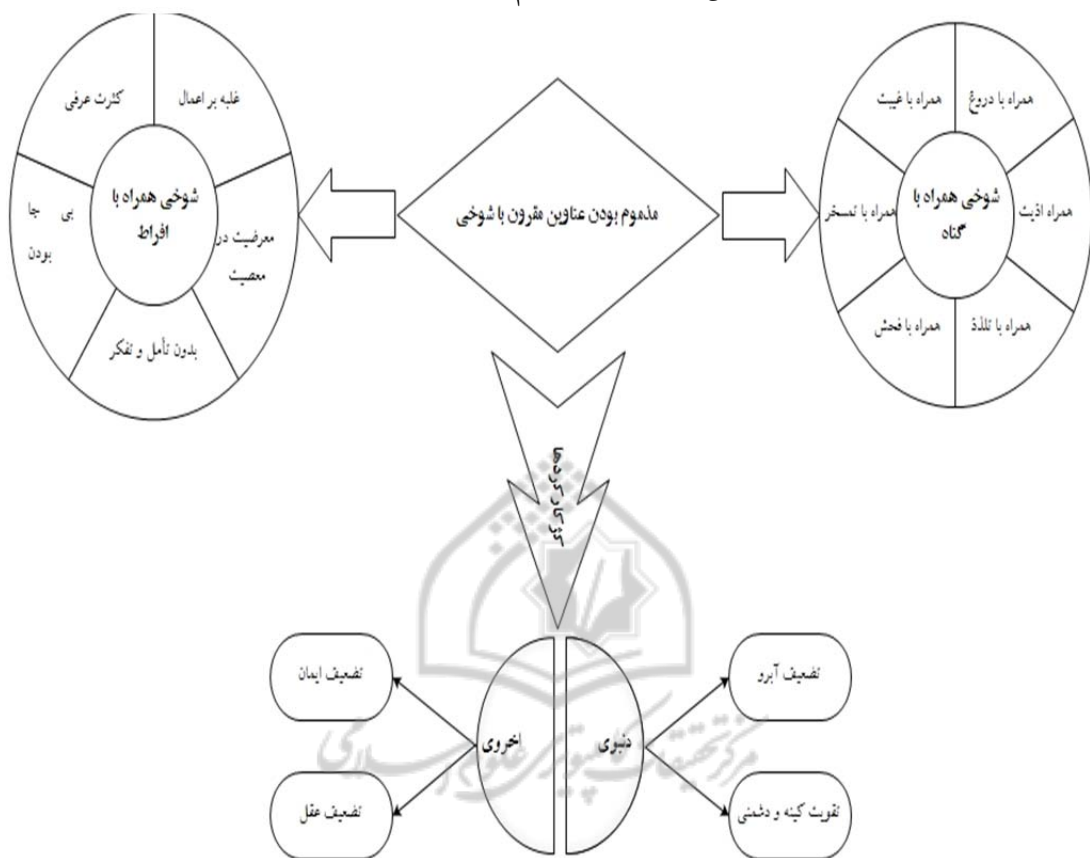
منشأ مزاح را «حسن خلق» و منشأ «حسن خلق» را «کمال نفس» می‌داند، می‌توان نتیجه گرفت که فی نفسه شوخی کردن از کمال نفس انسان نشأت می‌گیرد. این بدان معناست که انسان غضبناک و خشمگین و کسی که با دیگران به هیچ وجه شوخی نمی‌کند، دچار ضعف ایمان است.

همچنین می‌توان گفت که انسانی که مدارج کمال را طی کرده است، یقیناً اهل شوخی و مزاح است. در سطح اجتماعی نیز جامعه کامل و ناقص را می‌توان از جهت شاد بودن و جاری بودن شوخی کردن در آن به عنوان یک رفتار اجتماعی از یکدیگر تفکیک نمود.

همین دو منشأ است که دو کارکرد اساسی در سطح فردی-روانی و جمعی-اجتماعی به همراه دارد. در سطح اول، شوخی کردن با شرایط بایسته آن موجب فرح‌بخشی و نشاط درونی و بالتبع ایجاد آرامش در مخاطب می‌شود. در سطح دوم نیز شوخی کردن می‌تواند باعث نزدیکی و تألیف قلوب به یکدیگر و طبیعتاً ایجاد انسجام اجتماعی شود. همین دو کارکرد خود موجب ایجاد دو منشأ اساسی کمال فرد و کمال جامعه می‌شود. استمرار این چرخه با محوریت شوخی کردن با شرایط بایسته آن، نوید آرامش درونی افراد و انسجام بیرونی جامعه را می‌دهد.

اما آنچه که در شوخی مذموم شمرده شده است، خود شوخی نیست بلکه عناوینی است که فرع بر آن بوده و همراه با آن می‌باشند. این عناوین در دو قسم کلی «گناه» و «افراط» خلاصه می‌شود. شوخی همراه با گناه بیشتر شامل گناه‌های زبانی می‌باشد؛ چراکه شوخی کردن نیز بیشتر زبانی است و افراط در شوخی نیز به معنای خروج از اعتدال و میانه‌روی در شوخی کردن است. الگوی موارد نکوهش شوخی به صورت ذیل است:

شکل ۲. عناوین مذموم مقرون با شوخی



همانطور که پیش از این بحث شد، مصادیق شوخی گناه‌آلود بیشتر در عناوینی چون دروغ، غیبت، اذیت، تمسخر، تلذذ جنسی و فحش و ناسزا خلاصه می‌شود. همچنین مصادیق شوخی زیاده و افراطی با شاخص‌هایی چون جنبه غلبه داشتن کنش شوخی بر کنش جدی، عادت‌گونگی و ناخودآگاه بودن آن، در معرض گناه قرار گرفتن و در نهایت شناخته شدن به عنوان یک فرد مزاح شناخته می‌شود.

شوخی با عناوین فرعی مذموم، بر خلاف شوخی ممدوح، نه تنها کارکرد مثبتی ندارد، بلکه کژکارکردهایی دارد که نقیض خود شوخی است. در جنبه دنیوی، این سنخ شوخی‌ها می‌تواند هم باعث ریختن آبروی خود و دیگری شود و هم باعث ایجاد

دشمنی و کینه در جامعه اسلامی. در جنبه اخروی نیز، شوخی‌های مذموم، ایمان و عقل انسان را به عنوان کمال و حجت درونی دستخوش تغییر قرار داده و موجب تضعیف آن دو می‌شود.

یادداشت‌ها:

۱. برای ملاحظه برخی از مزاح‌های رسول گرامی اسلام (ص) (رک: فیض کاشانی، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۲۳۴)، و از آن جمله آمده است حضرت (ص) به پیرزنی فرمودند: پیرها وارد بهشت نمی‌شوند، پیرزن تعجب کرد و قدری ناراحت شد، حضرت (ص) بلافاصله فرمودند آن روز تو پیرزن نخواهی بود چون قرآن می‌فرماید: ما بهشتیان را جوان و تازه می‌سازیم. (اشاره به آیه ۳۵ و ۳۶ سوره واقعه)

۲. در روایتی از امام صادق (ع)، ضمن تأکید بر دعابه به عنوان یکی از شاخصه‌های هویتی مؤمنان آن را معادل مزاح گرفته است: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: مَا مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَفِيهِ دُعَابَةٌ قُلْتُ وَ مَا الدُّعَابَةُ قَالَ الْمِزَاحُ.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۶۳)

۳. عَنْ يُونُسَ الشَّيْبَانِي قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ كَيْفَ مُدَاعَبَةٌ بَعْضِكُمْ بَعْضًا قُلْتُ قَلِيلٌ قَالَ فَلَا تَفْعَلُوا فَإِنَّ الْمُدَاعَبَةَ مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ وَإِنَّكَ لَتَدْخُلُ بِهَا السُّرُورَ عَلَى أُخِيكَ وَ لَقَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَدَاعِبُ الرَّجُلَ يَرِيدُ أَنْ يَسْرَهُ.

۴. «سِتُّ مِنَ الْمَرْوَةِ ثَلَاثٌ مِنْهَا فِي الْحَضَرِ وَ ثَلَاثٌ مِنْهَا فِي السَّفَرِ فَأَمَّا الْبُتَى فِي الْحَضَرِ فِتْلَاوَةٌ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ عِمَارَةُ مَسَاجِدِ اللَّهِ وَ اتِّخَاذُ الْإِخْوَانِ فِي اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَمَّا الْبُتَى فِي السَّفَرِ فَبَدْلُ الزَّادِ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ وَ الْمِزَاحُ فِي غَيْرِ الْمَعَاصِي.» (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۲۴) (رسول خدا (ص) فرمود: شش خصلت از مردانگی است، سه در وطن و سه در سفر. اما آن سه که مربوط به وطن است؛ خواندن قرآن، آباد کردن مساجد خدا و برادر و رفیق گرفتن برای خوشنودی خدای عز و جل و اما آنچه در سفر است؛ بخشیدن توشه به رفیقان، خوش خلقی و شوخی بدون اینکه گناهی مرتکب شود.)

۵. مثلاً اگر کسی به جای کسب معاش برای خود و خانواده اش فقط نماز بخواند و روزه بگیرد و در هزینه‌های زندگی سربار (کلّ) دیگران باشد، کار او مصداق افراط خواهد بود و

مطابق حدیث نبوی (ص) مورد لعن قرار می گیرد. آن حدیث می فرماید: (مَلْعُونٌ مَنْ أَلْفَى كَلِمَةً عَلَي النَّاسِ) (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۷۲)

۶. در کتب اصول فقه آمده است که برای رفع تعارض ظاهری روایات راه هایی وجود دارد از جمله حمل عام بر خاص، مطلق بر مقید، ظاهر بر اظهر، نص بر ظاهر و ... و جمع عرفی اقتضای این امر را دارد و قاعده مشهوره؛ «الجمع مهما امکن اولى من الطرح»، یعنی اگر به توان میان روایات تا آن جا که ممکن است جمع نمود بهتر است از اینکه یک دسته یا دو دسته به ظاهر متعارض را نفی و ترک نمود. رک. (شهید صدر، ۱۴۲۸، ج ۲، ص ۳۶۴ و نیز سبحانی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۱۹۱)

۷. در روایت چنین آمده است: «الْمَرْوَةُ فِي السَّفَرِ كَثْرَةُ الزَّادِ وَ طَيِّبُهُ وَ بَدَلُهُ لِمَنْ كَانَ مَعَكَ وَ كَثْرَةُ الْمَرْوَةِ عَلَى الْقَوْمِ بَعْدَ مُفَارَقَتِكَ إِيَاهُمْ وَ كَثْرَةُ الْمِزَاحِ فِي غَيْرِ مَا يَسْنَخُطُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۳، ص ۲۶۶).

۸. البته بحث مزاح و شوخی در ابواب متعدد فقهی به صورت پراکنده از باب عوارض و تبعات آن مورد بحث قرار گرفته است. مانند حکم جواب سلام با شوخی، حکم صیغه عقد با شوخی و ... به عنوان نمونه (رک.: شهید ثانی، ۱۳۹۸ق، ج ۳، ص ۲۲۷)

۹. البته در فقه اسلامی برای شوخی دروغ آمیز بین وجود قرائن برای قصد اخبار یا معنی گوینده و عدم وجود قرائن در تعیین حکم شرعی آن تفکیک قائل شده اند. (رک: هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۷۳۴، طباطبائی یزدی، ۱۳۸۲، ص ۱۵۵)

۱۰. برای شناخت ماهیت عرف و کارکرد آن (رک.: علی دوست، ۱۳۸۵)

کتابنامه

قرآن کریم.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت: دارالفکر للطباعة والنشر والتوزيع.
انوری، حسن (۱۳۸۱)، *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران: سخن.

پاینده، ابو القاسم (۱۳۸۲)، نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، تهران: دنیای دانش.

تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، غرر الحکم و درر الکلم (مجموعه من کلمات و حکم الإمام علی (ع))، تصحیح سید مهدی رجائی، قم: دار الكتاب الإسلامی. جعفری، محمد رضا (۱۳۷۶)، فرهنگ فشرده انگلیسی-انگلیسی، انگلیسی-فارسی، تهران: نشر فاخته.

حرانی، ابن شعبه (۱۴۰۴ق)، تحف العقول عن آل الرسول (صلی الله علیه و آله)، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.

حسینی خامنه ای، سید علی (بی تا)، اجوبه الاستفتائات، در:

www.leader.ir/tree/index.php?catid=11

حلوانی، حسین بن محمد بن حسن بن نصر (۱۴۰۸ق)، نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، قم: مدرسه الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف.

حمیری، نشوان بن سعید (۱۴۲۰ق)، شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم، بیروت: دار الفکر المعاصر.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، لغتنامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.

رضی، محمد (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغه، قم: هجرت.

زبیدی، مرتضی (بی تا)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالفکر.

سبحانی، جعفر (۱۳۹۲)، الوسيط فی اصول الفقه، قم: مؤسسه امام صادق (ع).

شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۳۹۸ق)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم: داوری.

_____، (۱۳۹۰ق)، کشف الریبه عن الاحکام الغیبه، تهران: دار المرتضوی للنشر.

صدر، محمد باقر (۱۴۲۸ق)، دروس فی علم الاصول، قم: مجمع الفکر الاسلامی.

صدوق، ابن بابویه (۱۳۶۲)، الخصال، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.

_____، (۱۳۸۱)، پاداش نیکی ها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ترجمه

محمدعلی مجاهدی، قم: انتشارات سرور.

_____، (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات

اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم (۱۳۸۲). *الغایه القصوی فی ترجمه عروه الوثقی*، ترجمه شیخ

عباس قمی، قم: صبح پیروزی.

طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ق). *مجمع البحرین*، قم: مؤسسه البعثه.

طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ق)، *الأمالی*، قم: دارالثقافه.

عبدالمنعم، محمود عبدالرحمن (بی تا)، *معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهیة*، القاہرہ:

دارالفضیله.

علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۸۵)، *فقه و عرف*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۸۳). *جامع المسائل*، قم: امیر.

کاشانی، فیض (۱۴۰۳ق)، *المحجۀ البیضاء فی تهذیب الاحیاء*، بیروت: مؤسسه الاعلمی

للمطبوعات.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی،

تهران: دار الکتب الإسلامیة.

مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار الجامعہ لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، تصحیح جمعی

از محققان، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

معین، محمد (۱۳۶۳)، *فرهنگ معین*، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

هاشمی شاهرودی، محمود (۱۳۸۹)، *فرهنگ فقه؛ مطابق مذهب اهل بیت (ع)*، قم: مؤسسه

دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).

<http://dictionary.reference.com>